

## تاملی بر حماسه عیسی لغمانی و واکنش جامعه افغانی

اما درست پس از روایت عیسی لغمانی از دلاوری‌هایش، ضد روایت‌های دیگری هم در حاشیه‌ها شکل گرفت که چندان هم غیرموجه جلوه نمی‌کنند. در تازه‌ترین موارد گفته می‌شود که سرباز مجروح دیگری به نام صدیق، عیسی لغمانی را متهم به جعل دلاوری‌های او به نفع خودش شده است. این سرباز دیگر که پس از این حادثه در شفاخانه به سر می‌برد، مدعی شده که عیسی لغمانی از جراحت او سود جسته و امتیازات قهرمانی‌های او را به سود خودش مصادره کرده است. چنین ادعایی اگر جلوه‌ای از حقیقت با خود داشته باشد، بدون شک بدترین آفت ممکن است که می‌تواند داستان شیرین یک قهرمانی بزرگ را به زیر بکشد و بر پیشانی تمام سادگی‌ها و دلاوری‌هایی که این روزها از آن گفته می‌شود، برچسب «فرصت‌طلبی» و سوءاستفاده‌جویی بزند.

صفحه ۶

# چگونه‌گی دفع حمله به شورای ملی بررسی می‌شود



صفحه ۶

والی بلخ:

## جمعیت و جنبش در کنار نیروهای امنیتی از شمال دفاع می‌کنند

عبدالله عبدالله، رییس اجرایی کنونی و رقیب آقای غنی اعلام کرد. آقای نور در مصاحبه‌ی بی‌بی‌سی گفت که با در نظر داشت «تغییر جغرافیای جنگ در افغانستان، تلاش داعش برای نفوذ در شمال و گسترش عملیات طالبان در ولایات شمالی» جمعیت و جنبش تعهد کرده اند تا «در کنار نیروهای امنیتی افغانستان» از مناطق شمال افغانستان دفاع کنند. آقای نور در مورد چگونگی این اتحاد و دفاع از ولایات شمال گفت که تلاش او و جنرال دوستم این است تا مردم را در حمایت از نیروهای امنیتی افغانستان بسیج کنند و در صورت ضرورت «بقیه فرزندهای مردم افغانستان...»

ادامه صفحه ۶

جان و مال و عزت و ارزش‌های مردم افغانستان و حمایت از نیروهای امنیتی این کشور است. اخیراً شماری از فرماندهان احزاب جنبش و جمعیت در ولایات شمالی افغانستان از جمله ولایت فاریاب با یکدیگر متحد شدند و گفته شده که ابتکار این اتحاد را آقایان دوستم و عطا که در گذشته با هم رقیب بودند، به عهده داشتند. جنرال دوستم و عطا محمد نور سال‌ها بر سر نفوذ در شماری از ولایات شمال از جمله بلخ با هم رقابت شدید داشتند. این رقابت در جریان انتخابات اخیر ریاست جمهوری زمانی به اوجش رسید که آقای دوستم به عنوان معاون اول رییس جمهور اشرف غنی نامزد شد و آقای عطا حمایتش را از



عطا محمد نور، سرپرست ولایت بلخ و رییس اجرایی حزب جمعیت اسلامی که اخیراً اتحاد تازه‌یی را با عبدالرشید دوستم معاون اول ریاست جمهوری و رهبر جنبش ملی اسلامی افغانستان اعلام کرده، می‌گوید هدف از این اتحاد «دفاع از

رییس جمهور پیشین:

بدون اتحاد روسیه، چین

و هند افغانستان باثبات نمی‌شود



حامد کرزی، رییس جمهور پیشین می‌گوید که روسیه همسایه افغانستان است و از این کشور خواست که افغانستان را در مبارزه با تروریسم کمک کند. آقای کرزی که در سفری چهار روزه عازم روسیه شده است، روز پنجشنبه در نشست خبری به خبرگزاری «روسیه امروزی» گفت که افغانستان زمانی باثبات می‌شود که همسایه‌هایش؛ روسیه،...»

ادامه صفحه ۶

دبیر کل ناتو:

در پایان «فصل جنگی» در مورد پایان ماموریت‌مان تصمیم می‌گیریم



۲۰۱۶ میلادی پایان یابد.

البته چنین برنامه ریزی شده است که پیش از ختم ماموریت «حمایت قاطع»، مربیان نظامی از پایگاه‌های محلی به کابل نقل مکان کرده و در آنجا به آموزش نیروهای افغان متمرکز شوند. در برنامه اصلی در نظر گرفته شده است که چهار پایگاه محلی آموزش نیروهای امنیتی افغانستان در آخر...»

ادامه صفحه ۶

در برگ‌ها



افغانستان  
یک گام  
تا وزیرستان  
شدن



نگاهی  
به خدمات  
اجتماعی  
در اسلام



روشن فکری  
دینی  
و  
چالش‌های  
فراراه



نماینده‌کنند:  
والی کندز را  
تبدیل کنید

۴



احمد عمران

# افغانستان یک گام

## وزیرستان شدن



زیرا چنین دولتی را به رسمیت نمی‌شناسند؛ اما با مقام‌هایی از همین دولت به گونه غیر رسمی دیدار و گفت‌وگو می‌کنند. این برخورد می‌تواند این شایبه را قوت بخشد که دولت افغانستان چنان در موضع ضعف قرار گرفته که به هر خواست طالبان برای دیدار لبیک می‌گوید. وقتی صحنه نبرد آن‌چنان باشد، بدون شک صحنه گفت‌وگوهای صلح را نیز متأثر می‌سازد!

افزایش حملات طالبان کاملاً با گفت‌وگوهای صلح رابطه دارد. این گروه برای آن‌که نشان دهد تعیین‌کننده جهت گفت‌وگوها کسی است که در میدان نبرد دست بالا دارد، بر دامنه ناامنی‌ها افزوده است. تاکتیک جنگی طالبان، برخاسته از موقعیت این گروه در گفت‌وگوهای صلح است. ولی از این طرف نه تنها برنامه و استراتژی‌یی برای جنگ و صلح وجود ندارد که بیشتر ضعف سیاسی و باج‌دهی برای گروه‌های شورشی به مشاهده می‌رسد. دولت افغانستان ده ماه پس از آن‌همه وعده‌های بلندپروازانه حالا به بازپس‌گرفتن دست گروه‌های شورشی و استخبارات منطقه تبدیل شده است. همان استخباراتی که با آن تفاهم‌نامه امضا کرده و بر اساس ادعای وزیر پیشین معارف افغانستان که یکی از مقرب‌ترین افراد به همین دستگاه شناخته می‌شود، دولت‌مردان کشور در بهای امضای این تفاهم‌نامه، ۷۰ میلیون دالر امریکایی گرفته‌اند.

این ادعا دقیقاً باید مورد پیگرد قرار گیرد و صحت و سقم آن مشخص شود. آیا واقعاً چنین پولی در جریان امضای تفاهم‌نامه استخباراتی رد و بدل شده است؟ افرادی که متهم به گرفتن این پول شده‌اند، در برابر اظهارات فاروق وردک وزیر پیشین معارف کشور و یکی از کارگزاران اصلی دولت پیشین، سکوت اختیار کرده‌اند که به هیچ صورت نمی‌تواند به نفع‌شان باشد. شاید تبدیل کردن افغانستان به وزیرستانی دیگر، جزو همان برنامه‌یی باشد که بر اساس آن، تفاهم‌نامه اطلاعاتی نیز به امضا رسیده است!

سقوط چهاردره و دشت ارچی، شاید بزرگترین لکه ننگ به دامن دولت افغانستان باشد که برای نخستین بار پس از سیزده سال، این فرصت در اختیار نیروهای شورشی قرار گرفت که خود را در آستانه کنترل شهر قندوز ببینند.

فراموش نکنیم که سقوط مناطقی در شمال کشور که نه از نظر سنتی، خاستگاه شورشگری به شمار می‌رود و نه هم ماشین جنگی طالبان به آن قدرت موجود در جنوب فعالیت دارد، به گونه‌یی می‌تواند از انتقال جنگ از جنوب به شمال حکایت کند. هرچند دولت حالا ادعا دارد که در حال واپس‌گیری این مناطق است؛ اما واپس‌گیری دوباره این مناطق نیز نمی‌تواند پیروزی‌هایی را که نیروهای مخالف به دست آورده‌اند، جبران کند.

یمگان بدخشان مثال دیگر غفلت نهادهای امنیتی می‌تواند به شمار رود. این ولسوالی نیز در پی هجوم ناگهانی گروه‌های شورشی سقوط کرد و چند روز در کنترل آن‌ها قرار داشت. برخی از مقام‌های کشور، با سطحی‌نگری، چنین حملاتی را ناچیز می‌شمارند و می‌گویند اصل بر تسخیر یک منطقه نیست، بل اصل بر کنترل دایمی آن است که نیروهای شورشی چنین توانی را ندارند.

باید اذعان کرد که اشتباه در همین‌گونه توجیه‌ها نهفته می‌باشد. طالبان و یا هر گروه دیگری در پی کنترل دایمی مناطق نیستند، بل آن‌ها تلاش دارند برای خود خوراک رسانه‌یی و تبلیغاتی فراهم کنند. گروه طالبان در حالی که جنگ در افغانستان را شدت بخشیده، در همین حال می‌خواهد دست‌بالایی در مذاکرات صلح داشته باشد. طالبان شرایط و محل گفت‌وگوها را تعیین می‌کنند. این به معنای ضعف سیاسی دولت افغانستان باید شمرده شود. چه‌گونه گروهی که تا دیروز خطرناک‌ترین گروه تروریستی قلمداد می‌شد، امروز در وضعیت برتر بر سر میز مذاکره حضور دارد؟

استراتژی تازه طالبان در گفت‌وگوهای که زیر نام صلح انجام می‌شود، کاملاً سنجیده شده است. آن‌ها هرگز نمی‌گویند که طرف گفت‌وگوهای آن‌ها دولت افغانستان است،

ظاهر طنین نماینده ویژه افغانستان در سازمان ملل متحد به‌تازگی در شورای امنیت این سازمان از «همگرایی بی‌سابقه»ی هراس‌افکنان به هدف تشدید جنگ در کشور خبر داده است. بر اساس سخنان آقای طین، بیش از هفت‌هزار جنگ‌جوی مسلح مربوط به شبکه‌ها و سازمان‌های مختلف تروریستی، اعم از داخلی و خارجی، تصمیم گرفته‌اند که حملات انفجاری، انتحاری و تهاجمی خود را بر شهرها و مناطق استراتژیک افغانستان افزایش بخشند. بر مبنای این طرح، شبه‌نظامیان افراط‌گرا می‌خواهند با به‌دست آوردن کنترل برخی مناطق و حتا ولایات کشور، از آن‌ها به عنوان مقرهای عملیاتی خود استفاده کنند.

طرح افزایش جنگ در سال روان، از پروژه‌های اصلی گروه‌های شورشی و هراس‌افکن بود که تبارز اصلی آن را در عملیات بهاری طالبان زیر نام عملیات «رزم» شاهد بودیم. در این عملیات، طالبان موجی از برنامه‌های هراس‌افکنانه را در نقاط مختلف کشور به‌راه انداختند و عملاً تلاش کردند که حضور سهمگین خود را در بخش‌های مختلف کشور ثابت سازند.

البته این بار تنها گروه طالبان به عنوان یگانه‌ماشین نظامی ویرانگر در این نبردها شرکت نداشته است؛ گروه داعش نیز به شمول تحریک اسلامی ازبکستان در بخشی از عملیات سازمان‌یافته علیه نیروهای دولتی در افغانستان شرکت داشته است. آقای طین به این باور است که استخبارات بیرونی نیز در این موج حملات با نیروهای شورشی همکاری دارد و تلاش صورت می‌گیرد که افغانستان به وزیرستانی دیگر تبدیل شود.

در این‌که جنگ افغانستان مراحل بسیار حساسی را می‌گذراند، جای تردید نیست. خلاف چند سال پیش، جنگ فعلی نه تنها ابعاد تازه کسب کرده، بل نوع عملیات نظامی نیروهای مخالف نیز تفاوت‌هایی را در میدان نبرد نشان می‌دهد. جنگ قندوز در این میان مثال زدنی است. هرچند از قبل، گزارش‌هایی وجود داشت که حمله گسترده بر چند ولسوالی قندوز تدارک دیده شده، اما نهادهای امنیتی کمترین توجه به این قضیه از خود نشان ندادند.

## سخن‌ماندگار

### ضعف شدید مدیریتی در نهادهای امنیتی کشور

گروه طالبان، ولسوالی وانت و ایگل در ولایت نورستان را به تصرف خود درآورده بود؛ اما ساعت‌ها بعد این ولسوالی دوباره به تصرف نیروهای دولتی درآمد.

این ولسوالی که صبح دیروز به تصرف طالبان درآمده بود از دو روز پیش از آن مورد تهدید قرار داشته و به گفته مسوولان محلی، نرسیدن کمک‌های رزمی و نیروهای کمکی از چندین روز به این سو، سبب سقوط این ولسوالی شده و نیروهای دولتی را وادار به عقب‌نشینی کرده بودند. آن‌گونه که مقام‌های محلی گفته‌اند، دلیل سقوط اولیه این ولسوالی در نبود حمایت نیروهای نظامی از طرف دولت مرکزی بوده است. چنانکه دولت مرکزی در حمایت از نیروهای در حال جنگ در این ولسوالی کوتاهی کرده و این سبب شده که طالبان با جنگ‌جویان خارجی به‌صورت گروهی به مقر ولسوالی وانت و ایگل حمله کنند و وقتی مهمات و نیروی کمکی وجود نداشته باشد، مقاومت نیز ناممکن گردد!

اگرچه این چندمین بار است که این ولسوالی میان دولت و طالبان دست به دست شده؛ اما شنیدن این خبر که فلان ولسوالی یا منطقه به دلیل نرسیدن کمک‌های به‌هنگام و نیروهای کمکی از جانب نهادهای امنیتی کشور، به دست دشمن سقوط می‌کند، بسیار ناراحت‌کننده است. زیرا چندی پیش شاهد بودیم که دو ولسوالی در ولایت قندوز نیز به دلیل نرسیدن کمک‌های لازم و نیروی کمکی به دست طالبان سقوط کرد و پیشتر از آن نیز، نرسیدن کمک‌ها به برخی مناطق در ولایت بدخشان، سبب سقوط چند ولسوالی گردید و گذشته از آن، گرسنگی چندروزه سربازان سبب شد که آنان توان فرار را نداشته باشند و زنده به دست دشمنان بیفتند و سرهایشان بریده شود.

از طرف دیگر، در دوسه روز گذشته، در صفحات اجتماعی مثل فیس‌بوک عکس‌هایی منتشر شد که نشان می‌داد دولت برای خلبانانی که در جنگ کندز زحمت کشیده بودند و شامل نیروی ویژه ارتش‌اند، در ماه مبارک رمضان، فقط یک خوراک برنج با مقداری لوبیا به عنوان غذا داده است. نشر این عکس‌ها در صفحات اجتماعی توسط یکی از خلبان‌ها، سبب شد که مسوولان لوای ۷۷۷ آن فرد را تهدید به اخراج از وظیفه کنند. همچنان پولیس محلی در قندوز و نیز سربازانی که برای روزها در محاصره دشمن در این ولایت بودند نیز گفته‌اند که برای آنان از چند روز به این سو غذا نرسیده است. این همه نشان می‌دهد که ارتش و پولیس از ضعف شدید مدیریت رنج می‌برند و بخش وسیعی از شکست‌ها در جبهات و عقب‌نشینی افراد یا به اسارت درآمدن‌شان، به عدم مدیریت قوی و رسیده‌گی پویا به امور سربازان و محلات در حال جنگ برمی‌گردد.

این کوتاهی‌ها در رساندن اکمالات و غذای کافی و مقوی به سربازان ارتش همچنین نشان می‌دهد که فساد در این نهاد در کنار نبود مدیریت، یک معضل دیگر است. بنابراین می‌باید که رهبری وزارت دفاع ملی به دلیل عدم برنامه‌ریزی دقیق و نیز به دلیل فساد که در این اداره وجود دارد، مورد پیگرد قرار گیرد. زیرا واضح است که مواد جنگی، نیروی کمکی و غذای کافی در دو حالت به سربازان در حال نبرد در برابر دشمن نمی‌رسد: اول این‌که ضعف شدید مدیریتی وجود دارد، و دوم هم این‌که در رأس ادارات نظامی، ستون پنجمی جا گرفته که مانع ارسال امکانات جنگی، اعاشه‌یی و نیروی کمکی به سربازان در حال نبرد می‌شود تا دشمن بتواند از این خالیگاه نهایت استفاده را ببرد.

همه می‌دانیم که ارتش بیشترین بودجه را در اختیار دارد و از لحاظ لوژستیکی در حالتی نیست که نتواند از عهده کمک‌رسانی به نظامیان در حال نبرد بیرون شود. بماند این‌که در صورت درخواست آنان در حالات اضطرار، نیروهای آیساف و ناتو نیز به کمک این نیروها می‌شتابند. بنابراین، کاملاً مشخص است که نهادهای امنیتی کشور، در رهبری و مدیریت مشکل دارند و باید به این ضعف، توجه جدی صورت گیرد!



**ولسوالی و انت وایگل نورستان دوبار**

**به تصرف نیروهای دولتی درآمد**

مقام‌های ولایت نورستان به روزنامه ماندگار گفتند که نیروهای دولتی ولسوالی وایگل این ولایت را دوباره از کنترل طالبان خارج کردند و بیرق طالبان را از این ولسوالی به دور انداختند. این ولسوالی صبح جمعه به دست طالبان سقوط کرده بود اما ظهر جمعه بار دیگر به دست نظامیان دولتی افتاد.

این ولسوالی بارها به دست طالبان و نیروهای ارتش و پولیس دست به دست شده است.

این ولایت مسیر استراتژیک برای شورشیان است؛ زیرا شرق کشور را به شمال وصل می‌کند.

والی نورستان گفت که بعد از سقوط این ولسوالی، مرکز نیز خواستار حمایت نظامی شده اند و نیروهای امنیتی در تلاش اند که این منطقه استراتژیک را از طالبان پس بگیرند.

حافظ قیوم، والی نورستان روز جمعه بعد از سقوط این ولسوالی به دست طالبان، به دوپچه وله گفته بود که وضعیت در مرکز ولسوالی وایگل خراب بود و نیروهای امنیتی برای این که از تلفات زیاد جلوگیری کنند، حدود دو تا سه کیلومتر از مرکز ولسوالی عقب نشینی کرده اند.

قیوم گفت که دو روز می‌شود جنگجویان طالبان بر ولسوالی وایگل و مناطق اطراف آن حمله کرده و جنگ‌های شدیدی هنوز هم جریان دارد. هنوز معلوم نیست که نیروهای امنیتی افغانستان چه اندازه تلفات داده اند.

مقام‌های افغانستان می‌گویند که بعد از راه اندازی عملیات نظامی اردوی پاکستان در وزیرستان شمالی بسیاری تروریست‌ها به افغانستان فرار کرده و دست به حمله می‌زنند. در هفته پیش نیروهای امنیتی افغانستان توانستند ولسوالی یمگان بدخشان و چهاردره کندز را دوباره زیر کنترل دولت بیاورند، اما هنوز ولسوالی دشت ارچی کندز در تصرف شورشیان طالبان است.

**نبرد سخت در چهاردره کندز**



مقام‌های محلی در ولایت کندز می‌گویند که نبرد میان نیروهای امنیتی و طالبان در ولسوالی چهاردره این ولایت به گونه وقفه‌یی جریان دارد و مسؤولان امنیتی در این باره پاسخ درستی به رسانه‌ها نمی‌دهند.

امرالالدین ولی، معاون شورای ولایتی کندز در تماسی به سلام‌وطندار گفت، همه روزه نبرد میان طالبان و نیروهای امنیتی در این ولسوالی جریان دارد، اما مسؤولان امنیتی درباره این نبردها اطلاعات درستی در اختیار رسانه‌ها و مردم قرار نمی‌دهند.

این در حالی است که هفته گذشته مقام‌های امنیتی از پاک‌سازی این ولسوالی از وجود طالبان خبر داده بودند.

صدیق صدیقی، سخنگوی وزارت داخله به روز سه‌شنبه (۲ سرطان) گفته بود که این ولسوالی به دست حکومت است و طالبان از آن رانده شده اند.

ولسوالی چهاردره حدود یک هفته پیش پس از درگیری سختی میان نیروهای امنیتی و طالبان به دست طالبان افتاده بود و این گروه ادعا کرده بودند که در جریان درگیری تلفات سنگینی بر نیروهای امنیتی وارد کرده اند.

یکی از مسؤولان امنیتی کندز که نخواست نامش فاش شود، گفته است که صبح روز جمعه نیز نیروهای امنیتی حملاتی زمینی و هوایی بر مواضع طالبان در مناطق پل چهاردره و مسیر نهر صوفی انجام داده اند. با این حال تا کنون خبری از پیشروی در این مسیر در دست نیست.

گفته می‌شود، افزایش ناامنی در ولسوالی چهاردره سبب آواره شدن بیش از ۲۰۰ خانواده از مناطق مسکونی‌شان شده است. درگیری‌های اخیر در چهاردره کندز سبب آواره شدن بیش از ۲۰۰ خانواده از مناطق ناامن این ولسوالی گردیده است.

گفته می‌شود که این خانواده‌ها بیشتر از مناطق قریه یتیم، نهر صوفی و دوبندی اند و به دلیل افزایش ناامنی در این مناطق به ساحات امن پناه می‌آورند.

طالبان از آغاز سال جاری بر ولایت‌های مختلف از جمله بدخشان، فاریاب، نورستان، تخار و هلمند حملات‌شان را شدت بخشیده اند. در تازه‌ترین مورد این گروه بر ساختمان مجلس در پایتخت حمله کردند که در نتیجه این حمله، دو غیرنظامی کشته و ۳۱ تن دیگر زخمی شدند.

**نماینده کندز:**

**والی کندز را تبدیل کنید**



**یادداشت: از چندی بدین‌سو کندز ناآرام‌ترین شب‌ها و روز‌هایش را سپری می‌کند. هر روز یک ولسوالی سقوط می‌کند و ولسوالی دیگری واپس گرفته می‌شود. این وضعیت صدها تن از باشندگان کندز را از مناطق‌شان کوچانده و به شهر کندز آواره کرده است. برای بررسی وضعیت کندز گفت‌وگویی با عبدالودود پیمان نماینده مردم کندز در مجلس انجام داده ایم که اینک می‌خوانید:**

**گفت‌وگوکننده: هارون مجیدی**

– از چند ماه بدین‌سو وضعیت امنیتی کندز خراب است و هر روز طالبان بخشی از این ولایت را تصرف می‌کنند، شما به عنوان نماینده مردم کندز در مجلس، علت این ناآرامی‌ها در چه می‌بینید؟ در گذشته‌ها از طریق پارلمان ما جمعی از نمایندگان مردم کندز اوضاع این ولایت را به رییس‌جمهور و رییس اجرائی گزارش داده بودیم؛ اما رهبران دولت هیچ‌گاهی به آن توجه نکردند.

پیش از ایجاد دولت وحدت هم ولایت کندز مشکلاتی داشت، اما تا این حد شکننده نبود. طبیعتاً والی‌های پیشین این ولایت مانند انجنیر محمدعمر و یا آمر صاحب نقیب که از میان فرماندهان جهادی بودند و از دفع و طرد دشمن و اداره ولایت تجارب خوبی داشتند؛ طالبان از گذشته هم در کندز بودند، اما جرأت پیشروی را نداشتند به خاطر آنکه رابطه و باور مردم نسبت به حکومت در گذشته بیشتر بود. حالا معلوم است که بعضی ولایات مانند کندز، هلمند، ارزگان، بادغیس و سرپل نا امن هستند. در همچو شرایط نیاز است که رییس‌جمهور و همکارانش در مشوره با اعضای هر دو مجلس در نصب والیان و فرماندهان کار کنند؛ داکتر اشرف غنی شناختی از کندز ندارد و به گپ والی، وکیل و متفقد گوش نمی‌دهند و انتصاب شان به مشوره خارجی‌ها صورت می‌گیرد. کسانی که در شرایط بحرانی توان مدیریت را ندارند به عنوان والی به این ولایت می‌فرستند. در داخل اردوی ملی هم بر اساس شایستگی، لیاقت و تجارب جنگی افراد معرفی نمی‌شوند و کار به کسی سپرده می‌شود که اهلیت کار را ندارد.

زمانی که اندکی وضعیت کندز خراب می‌شود، والی صاحب-محمدعمر صافی- توان ماندن در دفتر خود را ندارد و شب در میدان هوایی خواب می‌کند و یا به طرف تاجیکستان و کابل فرار می‌کند.

به این حساب، زمانی که در اردو مشکل است و والی منسوب شده هم شناخت دقیق از اقوام ساکن در کندز ندارد، اداره این ولایت برایش مشکل است.

خواست ما این است، دولت زمانی که کسانی را در اردو می‌فرستد چهره‌هایی باشند که بر اساس سهمیه قومی انتخاب نشوند؛ کسانی باشند که تجربه جنگ را داشته باشند و جنگ را مدیریت کنند؛ اما از انتصاب وزیر دفاع فعلی- معصوم استانکزلی-

دانسته می‌شود که وضعیت چگونه است و در داخل اردوی افغانستان چه می‌گذرد. سپردن کار به کسانی که اهل آن نیستند، رفته رفته وضعیت افغانستان را به این حالت کشانده که امروز یا فردا شاهد یک فاجعه بزرگ در کندز خواهیم بود.

**– این فاجعه بزرگ چیست؟**

مردم کندز مال‌دار و زمین‌دار هستند، در هر فصل کاری‌شان جنگ‌ها شروع می‌شود و مردم با خانواده‌های‌شان آواره می‌شوند؛ در این ماه مبارک رمضان مردم در گرمای بالاتر از ۴۵ پناه‌گاه ندارند و در هر تصرف و عقب‌نشینی دولت این خانواده‌ها خساره‌مند می‌شوند. خانه‌های‌شان از بین می‌رود باغ‌ها و زمین‌های زراعتی‌شان از بی آبی خشک می‌شود؛ این فاجعه تا حدی است که مردم حتا در شهر کندز هم نگران و پریشان هستند.

داکتر اشرف غنی زمانی که عمرصافی را که به عنوان والی به کندز فرستاد نه تفاهمی با مردم کندز داشت و نه هم از رییس اجرائی پرسید. زمانی که آقای صافی به کندز رفت دروازه ولایت را به روی مردم بست و بزرگان کندز نمی‌توانستند او را ببینند.

با چند سگ روسی - انگلیسی پوسته‌های ولایت خود را محکم کرد و خود را مصروف ملاقات‌های رسمی و مطبوعاتی در درون ولایت ساخت.

ما از وضعیت کندز آگاه بودیم و همیشه ما- نمایندگان کندز- جلسه گرفتیم و شفاهی به مقامات بالایی این موضوع را رساندیم که آنان گوش نکردند تا بلاخره، دو سه هفته پیش در خانه رییس مجلس نمایندگان آقای عبدالروف ابراهیمی، بازهم جمع شدیم و برای مقامات بالایی نوشتیم که والی کندز را تبدیل کنید و تغییرات گسترده در ارگان‌های ولایت کندز امنیتی بیاورید؛ آنان بیشتر به بدخشان توجه کردند و مسأله کندز را دست کم گرفتند، ما نمی‌گوییم که به بدخشان توجه نشود؛ اما راه بدخشان از کندز می‌گذرد. کندز یک ولایت سرحدی است و بیشتر ازبک‌ها و چیچنی‌ها در کندز جایجا شده‌اند، آوازه‌یی را که می‌شنوم این است که در جنگل امام‌صاحب که ساحه میان دو دریا است و مربوط افغانستان می‌شود و به شکل یک جزیره افتاده است، کشور مستغنی برای طالبان ساخته شده و روی هم‌آهنگی و توطیه بیرونی طالبان به این ساحه آورده شده و اكمال می‌شوند. اكمالات طالبان نسبت به نیروهای امنیتی افغانستان بسیار قوی است.

**– چرا مقامات مرکزی به پیشنهادات شما توجه نکرده‌اند؟**

حکومت فعلی هیچ‌گونه توجهی به نماینده مردم و متفقد مردم ندارند، دروازه‌های خود را به روی مردم بسته اند و تک روی و راه استبداد را در پیش گرفته اند و به مشوره هیچ‌کسی گوش نمی‌دهند.

نقص کلانی که در این دولت وجود دارد همین است که به قول مشاوران بیرونی عمل می‌کنند که کار بسیار خطرناکی است و ما در گذشته‌ها تجربه آن را داشته‌ایم. هر نظامی که مشاورش خارجی بود و به قول آن‌ها عمل کرد، آن نظام دوام نمی‌آورد.

ما همه اعضای هر دو اتاق شورای ملی به رییس‌جمهور و رییس اجرائی نامه نوشتیم که والی کندز بی‌کفایت است و در شرایط امروزی انتظار برده می‌شود که والی آدم ملکی نباشد، والی کندز کسی باشد که از جنگ‌های گذشته تجربه داشته باشد و کندز را مدیریت کرده بتواند که به پیشنهادات ما توجه نکردند.

**– نا امن شدن کندز چه مشکلات را به ولایات هم‌جوار کندز بار خواهد آورد؟**

به یاد داشته باشید که پیروزی حکومت طالبان هم از کندز شروع شد. امروز کندز برای پایگاه بسیار

قوی برای خارجی ساخته شده است و شماری هم در درون و بیرون دولت و بر اساس توطیه پاکستانی جنگ کندز را جنگ قومی وانمود کنند که گویا در کندز بر بعضی اقوام ظلم شده که بر بنیاد آن طالب به وجود آمده است؛ این گونه فکر کردن ساده‌لوحانه است که از سوریه عراق گرفته تا کندز یک توطیه بزرگ جهانی است و کسانی که برای جنگ در کندز آمده اند، همه خارجی‌ها هستند.

– کدام ولسوالی‌های کندز بیشتر زیر تهدید اند؟ فعلاً تنها در مرکز کندز دیگر در همه ولسوالی‌های آن شورش و ویران‌گری شروع شده است؛ بیشتر از این، دشت ارچی و چهاردره بود که به دست طالبان سقوط کرد، ولسوالی خان آباد و امام‌صاحب نیز زیر تهدید اند که اگر تحولات و تغییراتی در سطح رهبری کندز نیاید این ولسوالی‌ها نیز با سرنوشت ولسوالی‌ها سقوط کرده مواجه شوند.

**– کسانی که در برابر دولت می‌جنگند طالب‌اند و یا داعش؟**

فعلاً داعش در کندز نیست و یک تعداد از مردمان محل هستند که فریب دشمن را خورده اند و از آدرس‌های مختلف به حمایت خارجی‌ها جنگ می‌کنند. شماری هم که پیشرو جنگ اند و اختیارات بیشتری را در سطح مخالفین به دست دارند، خارجی‌ها هستند. اتباع عرب، چیچن، ازبکستان، تاجیکستان هستند، مردمانی که از کشورهای خود شان رانده شده اند و هر کدام مجرمینی هستند که دوسیه‌های بین‌المللی دارند و این جنگ را رهبری می‌کنند.

**– در اخیر اگر از خواست مردم کندز بگویید که چه می‌خواهند و دولت چه کارهای را باید انجام دهد؟**

مردم هیچ خواستی ندارند، به آدرس دولت و وکیل دشنام می‌دهند و به این آدرس‌ها لعن و نفرین می‌فرستند.

دولت باید به همان طرحی که ما برای‌شان سپرده‌ایم توجه کند و تغییرات عمده را در سطح رهبری ولایت کندز بیاورند و کار را به اهل کار بسپارند؛ در شرایط امروزی هر کسی که ولایت کندز باشد باید برخاسته از حوادث میان مردم باشد و تجربه حوادث گذشته را داشته باشند تا این ولایت را درست مدیریت کنند.

**– ممنون از این که وقت گذاشتید. شکر از شما هم.**



# نگاهی به خدمات اجتماعی در اسلام

سید احمد اشرفی

**عمومیت خدمات و تکافل اجتماعی در اسلام**  
نظام خدمات و تکافل اجتماعی اسلام، همه شهروندان حکومت اسلامی اعم از مسلمان و غیرمسلمان را بدون هیچ‌گونه تبعیضی تحت پوشش قرار می‌دهد. سیرت و سنت پیامبر اکرم (ص) و خلفای راشدین و زمامداران مسلمان در تاریخ اسلام، گواه این مدعاست. در روایات آمده است که: عمر بن الخطاب (رض) از کنار دروازه‌یی می‌گذشت، پیرمرد نابینایی را دید که گدایی می‌کند، از او پرسید: آیا تو از جمله اهل کتاب هستی. وی گفت: بلی یهودی هستم. پرسید: چه چیز تو را به این عمل واداشته. گفت: جزیه می‌پردازم و نیازمند هستم و به سبب پیروی کار دیگری از دستم برنمی‌آید. حضرت عمر از دستش گرفته به خانه برد و چیزی به اندازه رفع نیازش به وی داد. سپس امر فرمود تا از بیت‌المال به‌طور مستمر به وی کمک صورت بگیرد و فرمود به حال این مرد و امثال وی توجه کنید، زیرا قسم به خدا منصفانه نیست که در جوانی از وی بخوریم و در پیری رهاپیش کنیم. خداوند می‌فرماید: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ»، مراد از فقرا مسلمانان است و این از جمله مساکین اهل کتاب محسوب می‌گردد. سپس وی و امثال وی را از پرداخت جزیه معاف نمود. ۱۴

**الگوی خدمات و تکافل اجتماعی صدر اسلام**

از مطالعه تحلیلی تاریخ صدر اسلام معلوم می‌شود که در آن عصر الگوی موفقی از خدمات و تکافل و تأمین اجتماعی وجود

داشته است که می‌توان از آن به عنوان یک تجربه موفق در جوامع امروزی استفاده کرد. مؤثرترین عامل در شکل‌گیری عناصر یک الگوی رفتاری و نهاد اجتماعی، زیربنای بینی و ارزشی حاکم بر آن است. از این رو، پیامبر اکرم (ص) اولین گام را با تحکیم مبانی اعتقادی رفتارها و نهادهای اجتماعی آغاز نمود. ایمان به خدا و جهان آخرت، یکی از ارکان عقایدی بود که رسول خدا (ص) مردم را با آن آشنا کرد. این دو اصل، پایه‌های استواری بود که سایر اجزا و عناصر فرهنگ جدید بر روی آن قرار گرفت و زمینه لازم را برای پیاده کردن برنامه‌های تحول در سایر عرصه‌های زنده‌گی از جمله الگوی خدمات و تکافل و تأمین اجتماعی را فراهم ساخت. پس از هجرت به مدینه، اولین اقدام پیامبر (ص) تأسیس و سازمان‌دهی نهادهای اجتماعی برای اعمال سیاست‌های خدمات و تکافل و تأمین اجتماعی بود. اولین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی، خانواده است که کارکردهای مهمی در زمینه حمایت از کودکان، سالخورده‌گان، زنان و آسیب‌دیده‌گان ایفا می‌کند. این نهاد، پیش از اسلام نیز وجود داشت و پیامبر اکرم (ص) از جهات متعددی به تقویت آن پرداخت و روابط اقتصادی و مالی میان اعضای خانواده مانند تقسیم کار بین زن و شوهر، وجوب نفقه همسر و ضرورت تأمین نیازهای فرزندان و والدین و در مراتب بعدی، سایر خویشاوندان را تبیین کرد. عشیره، حلقه دیگری از مجموعه نهادهای اجتماعی است که از به هم پیوستن خانواده‌ها و افراد خویشاوند تشکیل می‌شود. این نهاد

## بخش پنجم

نیز کارکردهای مفیدی در زمینه حمایت‌های اجتماعی دارد. از آن جمله می‌توان به مشارکت در پرداخت دیه جرایم غیرعمدی (دیه عاقله) اشاره کرد. چنین کارکردی، پیش از اسلام وجود داشت. پیامبر اکرم (ص) نیز آن را تأیید نمود. عامل مشترکی که در تمامی این واحدهای اجتماعی سبب وحدت می‌گردید، عوامل طبیعی چون خون، خویشاوندی، نژاد و قومیت بود، اما قدرت انسجام‌بخشی این عوامل از محدوده قبیله فراتر نمی‌رفت. پیامبر اکرم (ص) ضمن این‌که نهادهای موجود و عوامل طبیعی پیوندهای اجتماعی را به لحاظ کارکردهای مثبتی که داشت، به‌طور کلی نفی نکرد، بر عامل وحدت دینی و ایمانی تأکید نمود که از قدرت انسجام‌بخشی بیشتر برخوردار بود. پیامبر اکرم (ص) بر پایه عامل وحدت ایمانی، در اولین ماه‌های استقرار در مدینه، دو گام بسیار اساسی برداشت. گام اول تدوین اساسنامه امت اسلامی بود که به وثیقه مدینه شهرت دارد. در این اساسنامه از افراد نیازمند حمایت صورت گرفته بود، مثلاً در یکی از بندهای آن آمده بود: «مؤمنان نباید آن عده افراد خود را که مجبور به تاوان مالی شده‌اند، به حال خود رها کنند، بلکه باید فدیه و خون‌بهای آنان را بپردازند.» ۱۵ گام دوم پیامبر اکرم (ص)، انعقاد مواخات یا پیمان برادری میان مسلمانان بود. در اثر این پیمان، مهاجران که فاقد مسکن، شغل و درآمد کافی برای اداره زنده‌گی خود بودند، در مال و زنده‌گی برادران انصار خود شریک شدند. همچنان رسول اکرم (ص) مسلمانان را به رعایت ارزش‌هایی مانند اخوت، محبت، مساوات، تعاون، ایثار، وحدت و پرهیز از اختلاف، چنان تربیت نمود که آنان در عین حالی که برای رفع نیازهای خود تلاش می‌کردند، نیازهای جامعه را نیز در نظر داشته برای رفع آن کوشش می‌کردند.

## مکانیسم خدمات و تکافل اجتماعی صدر اسلام

رسول اکرم (ص) به‌خاطر تحقق اهداف خدمات و تکافل اجتماعی و رسیدن به رفاه اجتماعی، از مکانیسم‌هایی استفاده نمود که به برخی از آن‌ها ذیلاً اشاره می‌شود: ۱- پی‌ریزی اقتصاد سالم و خودکفا: پیامبر اکرم (ص) بر این باور بودند که افراد با در اختیار داشتن کار و سرمایه مناسب، بتوانند با عزت و کرامت مخارج زنده‌گی خود را تأمین کنند. از این رو، ایشان از تبلی و گدایی به‌شدت نهی فرموده و بر لزوم کار و تلاش برای کسب روزی الهی تأکید می‌کردند: «

اگر یکی از شما ریسمانش را گرفته به کوهی برود و هیزم آورده بفروشد و از مزد آن بخورد و به دیگران نیز ببخشد، بهتر از این است که از مردم گدایی کند.» ۱۶ در اثر این توصیه‌ها، یاران حضرت به چنان روحیه عزت و خوداتکایی رسیدند که اگر کسی بر اسب سوار می‌بود و شلاق او بر زمین می‌افتاد، برای برداشتن آن از کسی درخواست کمک نمی‌کرد. ۱۷



## بخش پنجم کارنامه مسعود



عبدالحفیظ منصور

معادن پنجشیر

پنجشیر دره‌یی ست تنگ و سنگ‌زار و دارای اراضی زراعتی بسیار کم؛ از این رو مردم آن دیار کاملاً متکی به زراعت نبوده، بلکه برای امرار معیشت از معادن سرشار پنجشیر نیز استفاده خوبی کرده‌اند؛ طوری که آن دره هزار سال قبل به لحاظ داشتن معادن وافر، شهرت جهانی داشت.

استخری که اثر برازنده جغرافی خود را در سال ۳۴۰ هجری تالیف نموده، در مورد پنجشیر چنین نگاشته است:

«پنجشیر شهری ست بر کوهی نهاده، قریب ده هزار مرد در او باشند. باغ و بوستان و آب روان باشد، لیکن کشاورزی نکنند.» این نویسنده عرب وقتی احصاییه خراج خراسان، سیستان و کابلستان را در اثر خود درج می‌نماید، خراج پنجشیر را در حین امارت عبدالله بن طاهر ۲۱۳-۲۳۲ هـ یک‌صد و شصت هزار و پنج صد درهم می‌نویسد. (۲۴) که از این رقم، به ثروت این دره تنگ که همانا از ناحیه معادن نقره بوده، می‌توان پی برد.

بعد از استخری، دانشمند دیگر عرب «ابن حوقل» در کتاب خود، زیادی نقره را در پنجشیر می‌ستاید و می‌گوید: اگر معادن نقره کوه‌های غور تا نواحی فرغانه و اسروشنه بهره‌داری شود، ممکن است ماحصل‌شان بیشتر از معادن نقره پنجشیر باشد که این نظر کثرت نقره را در پنجشیر نشان می‌دهد. هم‌چنان در همین کتاب «صوره الارض» (۳۶۶- هجری تالیف شده) آمده است که نقره یک متاع تجارته اهالی پنجشیر در آن عهد بود. (۲۵)

«مقدسی» نیز از وفرت نقره پنجشیر به حیرت آمده، کوه پنجشیر را «جبل الفضه والدرهم» می‌نامد. هم‌چنان «لسترنج» در این باره می‌نویسد: «از معادن پنجشیر تعداد زیاد نقره به‌دست می‌آید، از آن جهت در زمان صفاریان یعنی در قرن سوم هجری مرکز ضرب‌خانه گردید. البته درهم‌های آن‌جا به نام خلیفه عباسی ضرب می‌شد و سکه‌هایی هم از یعقوب لیث صفاری موجود است. (۲۶)

«بارتولد» در اثر معروف خود «ترکستان‌نامه»، معادن نقره پنجشیر را در بخش شرقی متصرفات اسلامی پُر حاصل‌ترین معادن نقره می‌داند و در مقدمه‌یی که بر «حدودالعالم» نوشته است، تذکر داده که نقره از معادن پنجشیر و جریبه (جاریاب) به اندراب می‌آمد و در آن‌جا از آن درهم می‌ساختند. (۲۷) «یاقوت حموی» که به گمان غالب از شهرهای خراسان دیدن نکرده، بلکه مطالب پیشینیان را درین باب جمع‌بندی نموده است، درباره پنجشیر چنین می‌نویسد: «پنجشیر شهری ست در نواحی بلخ که در آن کوه نقره است، مردمانش پول و دارایی زیاد دارند. نقره در کوهی است که مردم پنجشیر آن را چون غربال سوراخ‌سوراخ کنند تا به سیم رسند. مردی که بدین شغل می‌پردازد، در این راه اموال بسیار نفقه کند و گاه به چنان معدنی رسد که او و بازماندگانش را بی‌نیاز سازد و گاه باشد که بسیار نفقه کند به سبب آب به مقصود نرسد و نومید بازگردد و گاهی باشد که مردی بر رگه وقوف یابد و دیگری از موضع دیگر درست همان رگه را بیابد و هر دو به کندن پردازند. در این گونه موارد قرار بر این است که هر که به نقره زودتر رسد، از آن او باشد. مردم پنجشیر در این مسابقه مرتکب اعمالی شوند که به خاطر شیطان هم نمی‌رسد و چون یکی از آن به سیم رسد، آن‌که بازمانده است بی‌چاره سرمایه‌اش هدر شود. اگر هر دو باهم رسیدند، شریک شوند. و در آن نقب‌ها تا چراغ‌های‌شان روشن است به کندن ادامه می‌دهند. چون چراغ‌ها خاموش گردید باز ایستند؛ چه هر که از آن‌جا پیشتر رود، در کم‌تر از لحظه بمیرد. گاه باشد که مردی بامدادان توانگر باشد و شامگاهان بی‌نوا و یا صبحگان بی‌نوا و شامگاهان توانگر و شاعر پرآوازه معروف به پنجشیری، از همین جاست.» (۲۸)

در حال حاضر، مغاره‌ها و سوراخ‌های متعددی در نقاط مختلف پنجشیر در دل کوه‌ها دیده می‌شود که بدون شک در زمانه‌های قدیم، معادن سیم بوده و توسط مردمان آن عصر بیرون آورده شده است.

پس پنجشیر اگر در زمانه‌های هفت‌صد تا هزار سال پیش به داشتن نقره شهرت داشت و از آن به ساکنینش بهره می‌داد، در زمان حاضر دارای معادن سنگ گران‌قیمت زمرد است که باشندگانش را نفع می‌رساند.



# روشن فکری دینه وچالش های فراراه



## عبدالرشید فکرت بخشی بخش چهارم

**شناختن قواعد زمان و تعهد اجتماعی**  
با توجه به آنچه یاددهانی کردیم، تنها با تعامل معقول می توان از میوه های مدرنیته بهره جست، بی آن که در شکوه و جلال مادی آن هضم شویم و اصالت تاریخی خویش را از دست دهیم. حکمت، همان گم شده نوع انسان است که هیچ مرزی نمی شناسد و در هر جایی آن را دریابد، مستحق آن است. بنابراین، بی اعتنایی به دست آوردهای مدرنیته و انکار درست و چشم بسته آن ناموجه و غافلانه است. طرد ناآگاهانه اندیشه بی همان قدر نامعقول و غیرمنطقی است که پذیرش ناآگاهانه یک فکر؛ شاید به همین دلیل است که قرآن کریم از پیروی کورکورانه هشدار می دهد و نهی می کند:

(وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا) [سراء: ۳۶]

ترجمه: از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن، چرا که گوش و چشم و دل، همه مسؤول اند.

این آیه با صراحت تمام از پیروی بدون دلیل و ناآگاهانه نهی می کند و آگاهی را لازمه عمل می داند. سپس از ابزارها و منابع شناخت انسان یاد می کند و این که انسان در برابر آن مورد سوال قرار می گیرد. نه تنها این، بلکه نهی از پیروی بتها و تقلید از گذشته گان نیز در قرآن کریم به سبب ناآگاهی آنان از ماهیت عملی بود که انجام می دادند.

با این حساب، باید با ارسطو همنا شد که گفته بود «برای فیلسوف نبودن نیز باید فیلسوف بود»؛ در تعیین تکلیف مان در برابر دست آوردهای جدید نیز باید اصل را بر آگاهی گذاشت؛ کما این که نقد ناآگاهانه بر پذیرش ناآگاهانه مزیتی ندارد و بدان ماند که انسانی بی سواد، فیلسوفی چون ابوعلی را نقد کند. این نوع نقد جایی را نخواهد گرفت و هیچ ارزشی نخواهد داشت.

ورود فلسفه به جهان اسلام با کنشها و واکنشهای زیادی همراه بوده است. شخصیت های زیادی فلسفه را به نقد کشیدند و بر آن تاختند. در این میان دانشمندانی هم از آن به دفاع پرداختند و مقاومت کردند. نقد و ترمیمها، دیالوگ همیشه گی موافقان و مخالفان فلسفه بوده است. اما نقدها بر فلسفه چندان کارگر واقع نشدند و نتوانستند بنای محکم فلسفه را فرو ریزند؛ تا این که غزالی ظهور می کند و این کاخ چندصدساله را فرو

می ریزد. او در یکی از مراحل زنده گی خود، به مطالعه عمیق فلسفه پرداخت و با جسارتی آگاهانه، کاخ بلند فلسفه زمانش - یا بهتر بگویم: فیلسوفان زمانش - را در هم ریخت و از قضا، زمان نیز بر وفق مراد او بود. غزالی با آگاهی تام، فلسفه را به چالش کشید و پاسخ های ابن رشد نیز نتوانست در برابر آن تاب آورد و این بنای فرو ریخته را به گونه اولی دوباره تعمیر کند. دلیل این که نقدهای تند و شکننده غزالی کارگر واقع شد این بود که غزالی فلسفه را به درستی فرا گرفته بود و نقادی او از سر ناآگاهی و بی خبری نبود. او فلسفه را برخلاف مخالفین دیگر فلسفه که فراگیری آن را حرام می دانستند، حرام ندانست و با فراگیری عمیق فلسفه، پایه های آن را درهم شکست و به قول اقبال: غزالی با فلسفه اسلام همان کاری را کرد که ایمانوئل کانت در شکستن خردگرایی کم عمق آلمان در قرن هجدهم انجام داد.

منظور از این گفتار این که، هم مخالفان و هم موافقان دست آوردهای مدرنیته غربی مجبور اند در جهت نقد و دفاع از آن، غرب و مدرنیته غربی را بشناسند؛ تا هم نقد و هم دفاع آن ها معقولیت لازم پیدا کند و کارگر واقع شود. روشن فکران زیادی به مدرنیته غربی با چشم مهر و نجات بخشی می نگردند و آن را سرلوحه کار روشن فکرانه خویش قرار داده اند. در این میان، کسانی هم هستند که به مدرنیته بی مهر اند، اما بی مهری آنان زاده ناآگاهی شان از مدرنیته نیست؛ آنان آگاهانه بر مدرنیته می - تازند و با تأکید بر اصالت تاریخی خویش، بازگشت به ارزشها و آموزه های اصیل خودشان را تنها راه حل ممکن می دانند که این به ذات خود - فارغ از داوری در مورد صحت و سقم اندیشه های آنان - کاری روشن گرانه است و ارزش خود را دارد.

یکی از دوستانم همواره می گفت: «با قواعد والیبال همیشه فوتبال بازی کرد»، این سخن بسیار ارزش مند است و روشن فکر باید با اندیشه های به روز زمان خودش آشنا باشد و قواعد بازی عصر خودش را به درستی بداند. ناآگاهی از فضای مسلط اجتماعی و عقلانیت حاکم زمان باعث می شود تا کار روشن فکری ثمر چندانی ندهد و حتا با سدهای خردکننده یی نیز مواجه شود. اغلب داعیه داران روشن فکری در افغانستان با یک چنین خطایی روبه رو بوده اند و علی رغم ادعاهای پروپاقرص و تحصیلات عالی در بیرون از کشور در رشته هایی مانند فلسفه، تاریخ، ادبیات، اسلام شناسی و جامعه شناسی و... نتوانستند واقعیتها، ارزشها، شرایط زمانی و مکانی جامعه خویش را بشناسند و در

ترجمه: و از مردم، کسانی هستند که گفتار آنان، در زنده گی دنیا مایه اعجاب تو می شود؛ (در ظاهر، اظهار محبت شدید می کنند) و خدا را بر آنچه در دل دارند گواه می گیرند. (این در حالی است که) آنان، سرسخت ترین دشمنانند. (نشانه آن، این است که) هنگامی که روی برمی گردانند (و از نزد تو خارج می شوند)، در راه فساد در زمین کوشش می کنند و زراعتها و چهارپایان را نابود می سازند؛ (با این که می دانند) خدا فساد را دوست نمی دارد. و هنگامی که به آن ها گفته شود: «از خدا بترسید!» (لجاجت آنان بیشتر می شود)، و لجاجت و تعصب، آن ها را به گناه می کشاند. آتش دوزخ برای آنان کافی است؛ و چه بد جایگاهی است!

یکی از مسوولیت های روشن فکر به گواهی قرآن، مبارزه با ریاکاری، فسادپیشه گی، خودبزرگ بینی و خدانترسی است. روشن فکر دینی همان کسی است که بی هیچ چشم داشتی به توصیه حکام می پردازد و آن ها را به ترس از خدا و دست برداشتن از فساد اندرز می دهد. روشن فکری با این وصف، کاری پیامبرانه و انسان دوستانه است و عین جایگاه امر به معروف و نهی از منکر را دارد و خداوند پاداش چنین کاری را ضایع نمی کند.

روشن فکری افزون بر آسیب هایی که برشمردیم، با آسیب های سنگین دیگری نیز دست به گریبان است که اینک به صورت مختصر به برخی آن ها می پردازیم:

### اخلاق و روشن فکری

چنان که تذکر رفت، لازمه نتیجه بخش بودن کار روشن فکری آن است که روشن فکران با سلاح اخلاق و اندیشه مسلح شوند تا در کارزار مبارزه با ظلمت و غفلت واره گی کم نیارند و ره آورد قابل دیدی از این مصاف به دست دهند. اخلاق که جغرافیای بایدها و نبایدها در حوزه عمل به حساب می آید، نقش به سزایی در گسترش و جا افتادن حرکتها دارد. این که معیار فعل اخلاقی چیست و با چه ویژه گی یی می توان عملی را اخلاقی و یا غیر اخلاقی دانست، مگر می شود تعریفی جامع از فعل اخلاقی به دست داد، و پرسش های دیگری از این دست، از حوصله و موضوع این نوشتار خارج است. اخلاق در تفکر شماری فلاسفه و آموزه های دینی ما، از نوع مقوله وجدانی و زیبایی است. وجدان، لاپراتواریست که عمل کردهای انسان را موضوع خویش قرار می دهد و حسن و قبح عمل کردهای اختیاری انسان را از هم تشخیص می دهد.

با این توضیح، نادیده انگاری ارزش های اخلاقی که در ذهن و ضمیر انسانها رسوخ یافته است، موجب می شود تا کار روشن فکری با بن بست روبه رو شود. اخلاق چنان که گفته شده است «خلق خوش خلق را شکار کند»، سهم به سزایی در ترویج روشن گری و پخش پیام روشن گرانه به جامعه دارد. اگر انبیای الهی را روشن فکرانی بدانیم که با عالم برین از طریق وحی الهی وصل بوده اند، اخلاق کمک فراوانی در ابلاغ پیام و مبارزه آن ها با خرافه های دست و پاگیر انسان داشته است. انسانها تا از دریچه قلبشان به کسی و پیامی گوش نسیارند، حقیقت در اعماق جان آن ها جای نمی گیرد و کار روشن گرانه نیز چندان ثمربخش تمام نخواهد شد. چنان که حمید عضدانلو در مقدمه خودش بر کتاب ادوارد سعید آورده است:

سعید در بحث های خود، بارها از «اصول اخلاقی» و «قضاوت اخلاقی» که روشن فکر باید به آن ها مسلح باشد، سخن به میان می آورد.

مدعیان روشن فکری در روزگار ما اکثراً فاقد ارزش های اخلاقی اند و در غیاب اخلاق به کار روشن گرانه دست می زنند. شراب نوشی، تجاوز به ساحت آبروی دیگران، دروغ گویی، وعده شکنی، خودبزرگ بینی، دین گریزی و گاه دین ستیزی، جنین، عدم تعهد و عیاشی را باید آسیب های خردکننده مدعیان روشن فکری حساب کرد. مدعیان روشن فکری در جامعه ما اکثراً با سلاح ادبیات، تاریخ و فلسفه مجهز اند درحالی که توانایی آنان در حوزه دین نزدیک به صفر است. شاید همین بیگانه گی با مفاهیم دینی سبب شده است تا آنان پای بندی چندانی به ارزش های اخلاقی نداشته باشند و اخلاقیات را فاقد الزامیت، و نوعی تکلیف بر خود تلقی کنند.

در این میان، خودبزرگ بینی را یکی از رذیلت های اخلاقی به شمار آورده اند که افزون بر رفتارهای فردی و اجتماعی شخص، بر نحوه قضاوت وی نیز تأثیر گذار است. انسان خودبزرگ بین همواره خودش را از دیگران یک سر و گردن بالاتر می بیند و این نگرش باعث می شود تا با دیگران هم چون هم نوعان فرودست و درجه چندم رفتار کند.

همان نطفه با بن بست برخورد کردند. بنابراین، بدون فهم دقیق از سنتها، ارزشها، تاریخ، فرهنگ، حساسیتها، گرایشها و آداب عمومی جامعه نمی توان کار مؤثری انجام داد و با بی اعتنایی به هست های واقع شده، در جنبه بایدهای واقع نشده قرار گرفت. تردیدی نیست که ادامه تحصیلات در بیرون از کشور - به ویژه کشورهای عربی و اروپایی - کاری شایسته است، اما دور ماندن از واقعیت های عینی و اجتماعی جامعه، دروازه ها را بر روی تحصیل یافته های بیرونی می بندد و آنان در اولین تلاش های خویش در برابر ذهنیت عمومی قرار گرفته، از صحنه حذف می شوند.

با این حساب، روشن فکران در جامعه ما اشتباهی را انجام می دهند که سنت گرایان دینی با آن دست به گریبان اند. سنت - گرایان دینی با روحیه عمومی به خوبی آشنا اند اما با مفاهیم و دست آوردهای مدرن، سازگاری و آشنایی چندانی ندارند؛ در این میان، روشن فکران ما برخلاف جهت باد در حرکت اند و علی رغم آگاهی از مفاهیم جدید، از واقعیت های اجتماعی و ارزش های جامعه خویش بی خبرند و با وجود ادعاهای بلندبالای روشن فکری، امتیازی بر سنت گرایان دینی ندارند؛ سنت - گرایان ما از این لبه بام پرت شده اند و روشن فکران ما از گوشه دیگر آن.

بودن در جامعه و احساس دردها و آلام جامعه یی که در آن زنده گی می کنید، شما را به تعهد اجتماعی بیشتر وامی دارد و نمی گذارد شما از آرمان های خودتان تنازل کنید. آرمان، آگاهی و استطاعت را باید لازمه کار روشن فکری دانست؛ کما این که، نمی توان در فقدان آگاهی به آرمان های مورد نظر رسید و در فقدان آرمان، آگاهی سودی نمی بخشد و در نبود توانایی، نه آگاهی کارساز است و نه هم آرمان. شاید از همین جاست که قرآن کریم از نابرابری آنانی که می دانند و آنانی که نمی دانند [زمر: ۹] سخن می گوید و اولین پیام خداوندی با گل وازه «إِقْرَأْ» آغاز می یابد. از سویی هم، قرآن کریم معیار برتری را تقوا [حجرات: ۱۳] معرفی می کند که تعهد یکی از مصادیق آن است، و بر وجود توانایی علمی و جسمی [بقره: ۲۴۷] نیز تأکید دارد. وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ (۲۰۴) وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفَاسِدَ (۲۰۵) وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَيْسَ الْمِهَادُ (۲۰۶) [بقره: ۲۰۴-۲۰۶]



# چگونه گی دفع حمله به شورای ملی بررسی می شود



مجلس نماینده‌گان کمیسیونی را به منظور بررسی چگونه‌گی حمله مهاجمان انتحاری و دفاع از مجلس گماشته است.

شورای ملی کشور روز اول سرطان مورد حمله ۷ مهاجم قرار گرفت و درگیری میان نیروهای امنیتی و مهاجمان ۳ ساعت ادامه داشت.

این کمیسیون پس از آن از سوی نماینده‌گان مجلس توظیف شد که در خصوص حمله و دفع یورش مهاجمان انتحاری به پارلمان، بحث‌ها و مسایلی مطرح شد.

پس از این حمله، محمد عیسی، از محافظان امنیتی پارلمان مدعی شد که شش انتحاری را او به تنهایی کشته است؛ اما دو روز پس، محافظ دیگر پارلمان به نام صدیق که در این حمله به شدت زخم برداشته و به شفاخانه منتقل شده بود، گفت که او شماری از این مهاجمان را از پای در آورده است. اما زمانی که او را به بیمارستان انتقال دادند، کس دیگری آمده ادعا کرده است و همه موفقیت را به نام خود مصادره کرده است.

این مرد می‌گوید که باید این قضیه به گونه جدی بررسی شود.

عیسی‌خان بلافاصله به یک مرد شجاع تبدیل شد و در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها از او به نیکویی یاد کردند.

دولت افغانستان از او به گونه ویژه تقدیر کرد و خانه، موتر و مقداری پول نقد به او هدیه داد. همچنان، برخی از اعضای مجلس معاش یک ماهه شان را به عیسی خان هدیه دادند.

اما حالا صدیق از محافظان دیگر پارلمان مدعی است که دست‌کم سه تن از مهاجمان انتحاری را او از پای در آورده است.

دستور یک مامور سازمان اطلاعات نظامی پاکستان (آی‌اس‌آی) انجام داده است.

حسب صدیقی، سخنگوی امنیت ملی گفت: «طرح حمله به ساختمان مجلس افغانستان در پیشاور توسط مولوی شیرین، از افراد شبکه حقانی ریخته شده است. او به دستور یک افسر آی‌اس‌آی به نام بلال این حمله را اجرا کرده است.»

بعد از ایجاد حکومت وحدت ملی، دولت افغانستان تلاش کرده است روابطش با پاکستان را بهتر کند. در هفته‌های اخیر خبر امضای یک تفاهنامه امنیتی میان ادارات استخباراتی (اطلاعاتی) دو کشور سروصدای بسیاری ایجاد کرد.

پس از یک دور تلاش‌های کابل برای نزدیکی با اسلام‌آباد، این نخستین باری است که دولت افغانستان اعضای آی‌اس‌آی را متهم به دست داشتن در یک حمله علیه افغانستان می‌کند.

یک عضو مجلس هم به شرط فاش نشدن نامش گفت که مهاجمان انتحاری احتمالاً از سوی سه تن از محافظان پارلمان به شمول عیسی‌خان کشته شده اند. او گفت که کمیسیون پارلمان موظف شده که چگونه‌گی دفع این حمله را بررسی کند. به گفته او، باید از همه محافظان امنیتی مجلس تقدیر صورت گیرد. در صفحات اجتماعی نیز عکس‌هایی از عیسا خان و صدیق الله خان دست به دست می‌شوند و کار بران این سوال را مطرح کرده اند که کدام یک راست می‌گوید عیسا خان یا صدیق خان. برخی کاربران فیسبوک برخوردهای قومی هم با مساله داشته اند و برخی هم طرفدار رسیدن حق به حق دار و رشن شدن این موضوع شده اند.

طرح حمله از سوی آی‌اس‌آی در این حال، اداره امنیت ملی افغانستان می‌گوید حمله روز دوشنبه به پارلمان را شبکه حقانی به

## تاملی بر حماسه عیسی لغمانی و واکنش جامعه افغانی

علی پارسا

شکی نیست که روایت دلآوری عیسی لغمانی، از نمونه‌های محدود و معدود «حاشیه مهم‌تر از متن» است و این اتفاق مبارکی است؛ وقتی رویداد اسفناک و جان‌گداز بزرگی همچون، اولین حمله گسترده تروریستی به پارلمان کشور، تحت تاثیر داستان شجاعت و حماسه‌آفرینی سربازی فداکار قرار می‌گیرد، نه تنها تشتش رسوایی دشمن از بام می‌افتد، بلکه لبخند و امید در دل سربازان دلیر و مردم داغ‌دیده‌مان زنده می‌شود. قابل یادآوری است که اگر هدف اولیه هر حمله هراس‌افکنانه را تلاشی مذبوحانه به منظور گسترده شدن دامن ترس و وحشت در دل جامعه بدانیم، آنچه در مجلس اتفاق افتاد، ضدحمله‌ای شگفت بود که نتایجی کاملاً معکوس از آنچه مهندسان آن توقع داشتند، به بار آورد؛ در این حمله، با رشادت‌های سربازان‌مان، نه تنها «وحشت» و غمی به دل جامعه نیفتاد، که حتی این غم و وحشت به دل طراحان و عاملان این‌گونه حملات حکمفرما شد و سبب آشفتنگی و سرافکنندگی بیش‌ازپیش آنها را فراهم کرد. خبر نابودی مهاجمان به مجلس نمایندگان در ظرف چند دقیقه محدود، بلندترین از صدای انفجار تروریستان صدا کرد و سبب شد که از دل یک شرّ بزرگ، خیری بزرگ‌تر جوانه زند. هرچند شکی نیست که این حمله تروریستی، خسارت‌های مالی و جانی چندی هم به همراه داشته و البته این به نوبه خود جای تاسف و تأثر دارد، اما مهم آن است که دشمنی که آمده بود فاجعه‌ای کلان در تاریخ تحولات کشورمان ثبت کند، در همان دقایق نخست روسیه شد. به این ترتیب می‌توان گفت این زیباترین پایان ممکن است که می‌توانست به لطف پروردگار متعال و رشادت‌ها و دلآوری‌های سربازان‌مان برای چنین حمله تراژیکی رقم بخورد. با این مقدمه باید گفت که شجاعت و قهرمانی عیسی لغمانی به عنوان یک سرباز وظیفه‌شناس و وطن‌دوست در صورت واقعیت داشتن آن - بدون هیچ اما و اگر استودنی است. عیسی لغمانی همان سربازی است که مدعی به خاک و خون کشاندن شش مهاجم انتحاری شده است و در این صورت، بدون شک او شایسته و بایسته ستودنی است. چنانکه این چنین هم شد؛ داستان او وقتی به گوش رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی و خلاص خاص و عام افتاد، موج بی‌پیشینه‌ای از تقدیر و تمجید از او

آغاز شد. از رسانه‌ها و مردم گرفته تا نمایندگان مجلس و شخص رییس‌جمهور، هر کس عنوان یا متاعی را به پاس دلآوری‌های عیسی لغمانی به او بخشید. در میان این تحایف و قدردانی‌ها، امتیازات مادی بسیاری هم به سمت او سرازیر شد؛ خانه و موتر و میلیون‌ها افغانی، امتیازات و پول‌هایی بود که یک شبه مسیر زندگی یک سرباز و خدمتکار ساده وطن را عوض کرد و نام او را به عنوان یک سرباز جوان و شجاع درج تاریخ کشور کرد. با این حال، اما درست پس از روایت عیسی لغمانی از دلآوری‌هایش، ضد روایت‌های دیگری هم در حاشیه‌ها شکل گرفت که چندان هم غیرموجه جلوه نمی‌کنند. در تازه‌ترین موارد گفته می‌شود که سرباز مجروح دیگری به نام صدیق، عیسی لغمانی را متهم به جعل دلآوری‌های او به نفع خودش شده است. این سرباز دیگر که پس از این حادثه در شفاخانه به سر می‌برد، مدعی شده که عیسی لغمانی از جراحت او سود جسته و امتیازات قهرمانی‌های او را به سود خودش مصادره کرده است. چنین ادعایی اگر جلوه‌ای از حقیقت با خود داشته باشد، بدون شک بدترین آفت ممکن است که می‌تواند داستان شیرین یک قهرمانی بزرگ را به زیر بکشد و بر پیشانی تمام سادگی‌ها و دلآوری‌هایی که این روزها از آن گفته می‌شود، برچسب «فرصت‌طلبی» و سوءاستفاده‌جویی بزند.

به این ترتیب سرنوشت این داستان هم بار دیگر مثل بسیاری از افسانه‌های این روزهای ما به تقدیر شوم انحطاط و سودجویی می‌انجامد. این در حالی است که گذشته از ادعاهای صدیق خان، عده‌ای به داستانی که از زبان عیسی لغمانی روایت شده به دیده شک می‌نگرند. عکس‌ها و تصاویری که از جنازه‌های مهاجمان انتحاری در رسانه‌ها پخش شده و دست به دست می‌شود، جنازه‌های پرگرد و خاکی را نشان می‌دهد که ادعای یکی یکی با گلوله‌های عیسی لغمانی کشته شدن را کمی به چالش می‌کشاند. این در حالی است که حتا برخی‌ها مدعی کشته شدن مهاجمان به اثر انفجار راکت خودشان شده‌اند! این ادعاها هرچند می‌توان صرفاً با هدف به حاشیه بردن قهرمانی‌های عیسی لغمانی باشد، اما باز هم ضرورت بررسی‌های جدی‌تر در این قضیه را متفی نمی‌کند. پرونده این حمله تروریستی هنوز هم به تحقیقات جدی بسیاری نیاز دارد. پس از سروصداهای شدید بسیاری که ناشی از انفجارهای مکرر

## در پایان «فصل جنگی» در مورد...

۲۰۱۵ میلادی بسته شوند، اما حالا دیپلمات‌ها می‌گویند که برخی از این پایگاه‌های آموزشی ممکن است برای مدت بیشتر باز بمانند.

ینس استولتنبرگ، دبیرکل ناتو بعد از گفت‌وگو با وزیران دفاع این پیمان و سرپرست وزارت دفاع افغانستان در بروکسل گفت که در مورد زمان ختم برنامه آموزشی هنوز تصمیمی گرفته نشده است: «ما می‌خواهیم که وضعیت را بعد از ختم فصل جنگی امسال ارزیابی کنیم.»

دبیرکل ناتو گفت که بعد از ختم فصل جنگی ناتو معلومات بیشتری راجع به چالش‌های امنیتی و ظرفیت نیروهای امنیتی افغانستان خواهد داشت.

بخش اعظم سربازان ماموریت آموزشی امریکایی هستند و افغانستان قبلاً از واشنگتن خواستار بطی ساختن خروج این نیروها شده است. بارک اوباما رئیس‌جمهور ایالات متحده امریکا در ماه مارچ گفت که ۹۸۰۰ سرباز را تا آخر ۲۰۱۵ در افغانستان نگه می‌دارد، اما به برنامه خروج از افغانستان تا ۲۰۱۷ پایبند است.

معصوم استانکزی، سرپرست وزارت دفاع افغانستان خواستار انعطاف‌پذیری در سطح نیروهای خارجی در افغانستان شد: «فکر می‌کنیم همه درک کرده اند که نباید تنها براساس مهلت‌ها کار کنیم، ما باید به واقعیت‌های کنونی نگاهی بیندازیم.»

اورزولا فون دیر لاین، وزیر دفاع آلمان گفت: «این مهم است که ما وضعیت را محتاطانه ارزیابی کنیم و افغانستان را با عجله ترک نکنیم.»

ناتو در نظر دارد که بعد از ختم ماموریت آموزشی یک ماموریت کوچکتر زیر رهبری ملکی را برای مشوره و راهنمایی نهادهای امنیتی افغانستان شروع کند. دبیرکل ناتو گفت کارها برای کمک به تقویت نیروی هوایی افغانستان جریان دارد.

اشتون کارتر، وزیر دفاع ایالات متحده امریکا در این نشست گفت شمار کوچکی از جنگجویان «دولت اسلامی» یا داعش در افغانستان از خارج به این کشور نرفته اند، بلکه جنگجویانی اند که وفاداری خود را از یک گروه به گروه دیگر تغییر داده اند.

## جمعیت و جنبش در کنار...

در کنار نیروهای امنیتی برزمند...

آقای نور گفت که برای دفاع از شمال و همکاری با نیروهای امنیتی افغانستان قصد ندارد ملیشه تشکیل دهد.

او گفت: «تصمیم تشکیل نیروهای فراقانونی نیست. فراتر از ساختارهای رسمی حکومتی که فعلاً وجود دارد، ما چیزی را پیشنهاد نداریم، در صورت نیاز مجاهدین سابقه یا همان جنگجویانی را که ما در گذشته داشتیم که تجربه جنگ دارند و توانایی از دفاع از کشور را دارند و کار کشته هستند، جنگ دیده هستند و آب دیده هستند، می‌توانند که در چارچوب قوای مسلح افغانستان تنظیم شوند، و از منافع حکومت و ملت دفاع بکنند.»

استاد عطا گفت که به علاوه تهدیدهای امنیتی از نحوه مدیریت نیروهای امنیتی افغانستان هم نگران است و گفت که «از عدم موجودیت دکترین نظامی مدون، نبود برنامه منظم و کارا در دفاع و در تعرض و عدم داشتن جنرال‌های توانا و مجرب در راس قوای مسلح افغانستان شکایت دارم اما نیروهای امنیتی افغانستان هم از نظر کمی و از نظر کیفی توانایی دفاع از این کشور را دارند.»

## بدون اتحاد روسیه، چین...

چین و هند در مبارزه با تروریسم سهم فعال گیرند.

رییس‌جمهور پیشین هم‌چنان افزود که دیروز روی همین موضوع با ولادیمیر پوتین، رییس‌جمهور و سرگی لاوروف، وزیر خارجه روسیه گفت‌وگو کرده است.

آقای کرزی می‌گوید که بدون مبارزه با تروریسم، راه دیگری برای دست‌یابی به صلح و ثبات در دست نیست. او افزود که به رییس‌جمهور و وزیر خارجه روسیه پیشنهاد کرده که روسیه و افغانستان باید در زمینه مبارزه با تروریسم به گونه مشترک کار کنند.





پکرمن:

## مسی حقیقتاً بهترین بازیکن جهان است

سرربی تیم ملی فوتبال کلمبیا از ستاره بارسلونایی آرژانتین به عنوان بهترین بازیکن جهان یاد کرد.

خوسه پکرمن که شاگردانش بامداد شنبه برای رسیدن به جمع چهار تیم برتر مسابقات کوپا آمریکا ۲۰۱۵ باید با آرژانتین رقابت کنند، در کنفرانس خبری با تمجید از مهاجم حریف گفت: مسی حقیقتاً بهترین بازیکن جهان است و آرژانتین هم به همان سبکی که در جام جهانی ۲۰۱۴ بازی کرد در این تورنمنت بازی می‌کند. آلبی سلسله چندین بازیکن جدید به ترکیب خود اضافه کرده که کمک زیادی به آنها می‌کند و خراودو مارتینو هم برنامه‌اش را بر اساس آنها طرح‌ریزی کرده است.

سرربی کلمبیا همچنین با اشاره به مصدومیت و محرومیت چند تن از بازیکنان کلیدی خود از جمله کارلوس باکا، کارلوس سانچس و اودین والنسیا عنوان کرد: این اولین باری نیست که ما به خاطر بازیکنان مصدوم و غایب‌مان دست برتر نیستیم. ما به کنار آمدن با چنین شرایطی عادت داریم و در تقابل با آرژانتین به دنبال ارائه بازی خوبی هستیم. همچنین مشتاقیم تا در این بازی مشارکت داشته باشیم و بازی خودمان را به نمایش بگذاریم. ما در تمامی پست‌ها بازیکنان مستعدی داریم و می‌دانیم که قدرت لازم برای رویارویی با آلبی سلسله را داریم.



توصیه فورلان به نیمار:

## مانند مسی و رونالدو باش

اسطوره فوتبال اروگوئه به ستایش از نیمار پرداخت و به این بازیکن توصیه کرد مانند رونالدو و مسی باشد.

نیمار ستاره برزیلی بارسلونا نشان داده که بازیکن بزرگی است و این توانایی را دارد که روزی به عنوان بهترین بازیکن فوتبال جهان انتخاب شود اما آنچه دوستداران این بازیکن را نگران کرده حاشیه‌سازی‌های زیاد و عصبانیت او در میدان است که آخرین نمونه آن در دیدار برابر کلمبیا بود که با محرومیت سنگینش همراه شد.

دیگو فورلان ستاره سابق تیم ملی فوتبال برزیل به ستایش از نیمار پرداخت و یک توصیه مهم به او کرد و آن اینکه مانند رونالدو و لیونل مسی باشد. او گفت: جادوگر برزیلی به خوبی می‌داند که در بهترین باشگاه جهان و کنار بهترین بازیکن جهان بازی می‌کند. او باید از مسی و رونالدو یاد بگیرد و اعصاب خود را کنترل کند. نیمار از مسی و رونالدو فاصله زیادی دارد. او با این دو بازیکن بزرگ فاصله زیادی دارد.

او ادامه داد: نیمار یکی از بهترین مهاجمان جهان است. من از دیدن بازی او لذت می‌برم. وقتی نیمار پا به توپ می‌شود با گل‌هایی که به ثمر می‌رسند و پاس‌های که می‌دهد شما را به وجد می‌آورد. نیمار هنوز در فوتبال اروپا جا نیفتاده است. او به زمان نیاز دارد و اطمینان دارم که از این بهتر هم خواهد شد.

نیمار در فصل نخست حضورش در بارسلونا نتوانست بازی‌های درخشانی را برای این تیم به نمایش گذارد اما در فصل دوم بسیار خوب ظاهر شد و توانست با این تیم قهرمانی در سه‌گانه فوتبال اروپا و اسپانیا را به دست آورد.



PHOTO: RECEIVED

رونی:

## این فصل برای قهرمانی لیگ برتر می‌جنگیم

وین رونی می‌گوید منچستریونایتد این فصل برای قهرمانی در لیگ برتر تلاش خواهد کرد.

منچستریونایتد فصل گذشته در رده چهارم لیگ برتر قرار گرفت تا سهمیه لیگ قهرمانان را کسب کند. هر چند این نتیجه هواداران منچستر را راضی نکرده است.

وین رونی مهاجم و کاپیتان منچستریونایتد می‌گوید این تیم این فصل برای قهرمانی در لیگ برتر تلاش خواهد کرد. او در این باره به روزنامه میرر گفت: باور دارم فصل آینده برای منچستریونایتد بهتر پیش خواهد رفت و از رقابت قهرمانی لیگ عقب نخواهد ماند. اگر شما به ۱۰ یا ۱۱ بازی ما در فصل قبل نگاه کنید می‌بینید که تنها حدود ۱۳ امتیاز کسب کرده بودیم و اگر به جایگاه ما در پایان فصل هم نگاه بیاندازید می‌فهمید که با شروعی بهتر می‌توانستیم جایگاه بالاتری داشته باشیم. در بسیار از بازی‌ها بر جریان مسابقه مسلط بودیم ولی نتوانستیم از شانس‌های خود استفاده لازم را کنیم، اگر این کار را انجام می‌دادیم شرایط متفاوت می‌شد.

رونی ادامه داد: مهم‌ترین چیز این است که کل ترکیب شامل مربی و حتی خود من، به قهرمانی باور داشته باشیم و برای رسیدن به آن تلاش کنیم. با چند خرید خوب در تابستان شانس خوبی برای اینکار خواهیم داشت. بسیار خوب است که تا جایی که می‌توانیم عناوین مختلف را کسب کنیم. باشگاهی مانند منچستریونایتد باید قهرمان شود و خوشبختانه سال آینده می‌توانیم این مهم را انجام دهیم.

یونایتد فصل گذشته با هدایت فان خال موفق شد در ۲۰ بازی به پیروزی رسد و سهمیه پلی‌آف لیگ قهرمانان اروپا را کسب کند. با وجود اینکه شیاطین سرخ ۱۷ امتیاز از تیم قهرمان کمتر داشتند رونی از پیشرفت تیم راضی است و می‌گوید فان خال شرایط را در سال اول کنترل کرده است. او ادامه داد: باید درک کنید که در آغاز فصل ما یک سرربی جدید، چند مربی جدید و تعداد زیادی بازیکن تازه وارد داشتیم. قهرمانی خواستن در این شرایط بسیار سخت است. اینکه در چند مقطع مهم، به خصوص بازی مقابل آرسنال در جام حذفی، نتوانستیم پیروز شویم ناامید کننده بود زیرا شانس خوبی برای قهرمانی در جام حذفی داشتیم. اگر هم به لیگ قهرمانان راه پیدا نمی‌کردیم فاجعه خواهد بود ولی مهم‌ترین چیز در حال حاضر این است که به جایگاه واقعی خود برگردیم.



بلاتر:

## از ریاست فیفا استعفا نداده‌ام

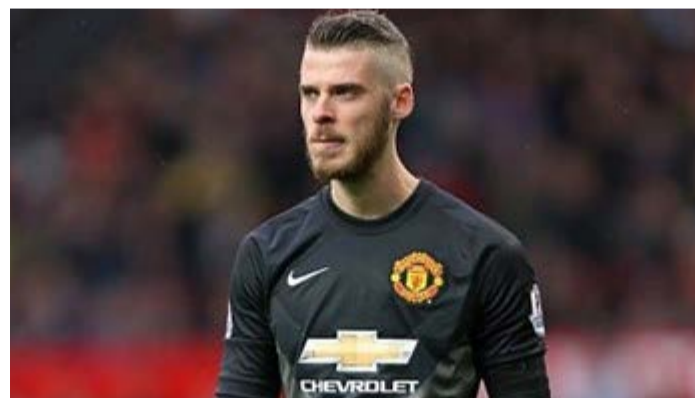
رئیس فدراسیون بین‌المللی فوتبال فیفا می‌گوید او هنوز از ریاست فیفا استعفا نداده تا فیفا پس از یک هفته آرامش بار دیگر وارد حاشیه شود.

سپ بلاتر رئیس فدراسیون بین‌المللی فوتبال فیفا روز ۲ جون اعلام کرد به دلیل فشارهای موجود از ریاست فدراسیون بین‌المللی فوتبال استعفا می‌دهد. او این سخنان را در بین خبرنگاران در جلسه اضطراری فیفا به زبان آورد.

سپ بلاتر حالا از صحبت‌های خود عقب نشینی کرده است. او درباره حضورش در فیفا گفت: من هیچ وقت نگفتم از ریاست فیفا کناره‌گیری کرده‌ام. من گفته‌ام که سرنوشتم در اختیار کنگره اضطراری فیفا است که قرار است به زودی برگزار شود. من هنوز رئیس فیفا هستم.

بلاتر با حس کردن حمایت‌هایی که از او شده، می‌خواهد بار دیگر نامزد ریاست فیفا شود تا در جلسه اضطراری فیفا که به زودی برگزار می‌شود، درباره حضورش در این فدراسیون صحبت کند.

او ادامه داد: هدف این است که فوتبال اصلاح شود و این را کسانی که قبلاً در راس کار بودند بهتر درک می‌کنند. من سالها در فیفا بودم و می‌دانم چطور باید امور را اصلاح کنم. تا انتخابات رئیس فیفا باقی می‌مانم و تا آن زمان با قدرت کارم را ادامه می‌دهم و منتظر نتیجه جلسه فیفا می‌مانم.



## مدرکی دیگر برای جدایی دخه‌آ

### از منچستر یونایتد و پیوستن

### به رئال مادرید

با رو شدن مدرکی دیگر به نظر می‌رسد جدایی سنگربان ۲۴ ساله شیاطین سرخ از این تیم و پیوستن به کلهکشان‌ها قطعی است.

ابتدای هفته جاری بود که نشریه «دیلی میل» انگلیس گزارش داد، داوید دخه‌آ در آستانه ترک اولدترافورد در تابستان پیش روست و این دروازه‌بان اسپانیایی به هم‌تیمی‌هایش گفته که قصد جدایی از منچستریونایتد را دارد، چون رؤیای بازگشت به زادگاهش یعنی مادرید را دارد. این در حالی است باشگاه رئال مادرید خود را آماده ارائه پیشنهادی ۱۳ میلیون پوندی به این سنگربان ۲۴ ساله می‌کند.

حالا با فروش گذاشته شدن خانه‌ای که در این چند سال دخه‌آ در آن اسکان داشت شایعه جدایی‌اش از منچستریونایتد و پیوستن به سفیدپوشان مادریدی قوت گرفت. خانه‌ای که سنگربان اسپانیایی شیاطین سرخ در آن اسکان داشت داری چهار طبقه و شش خوابه است و در منطقه بوودن در چشایر واقع شده است. مالک این خانه آن را به قیمت ۲,۷۵ میلیون پوند برای فروش گذاشته است. این خانه امکاناتی همچون سونا و جکوزی، اتاق بازی، پنج حمام، سینما خانگی، دفتر اداری، دو پارکینگ و سالن ورزشی دارد.

دخه‌آ که یک سال از قرارداد فعلی‌اش با منچستریونایتد باقی مانده است، پنج سال پیش در ازای ۱۷,۸ میلیون پوند از اتلتیکومادرید به جمع سرخپوشان اولدترافورد پیوست. او در فصل اخیر عملکرد فوق‌العاده‌ای داشت و به انتخاب بازیکنان و هواداران منچستریونایتد به عنوان بهترین بازیکن فصل این تیم انتخاب شد.



## چین و جاپان در پی کاهش تقابل‌های نظامی ناگهانی



چین و جاپان ماه آتی بر سر توافقنامه‌یی با هدف تبیین روند ارتباطات میان کشتی‌ها و هواپیماهای نظامی خود در زمان برخوردهای نظامی توافق می‌کنند که با این اقدام خطر رویارویی کاهش می‌یابد.

به گزارش خبرگزاری رویترز، در شرایطی که نظامی‌گری چین رو به رشد است و جاپان توسعه عملیات‌های «نیروهای دفاع از خود» را در پیش گرفته، تقابل نظامی میان نیروهای مسلح دو کشور به بالاترین حد رسیده است.

قوانین ارتباطات برای رویارویی در حریم هوایی و دریایی بین‌المللی تدوین می‌شود. با این حال چین قصد دارد تا این توافقنامه را برای پوشش آب‌های اراضی خود گسترش دهد.

جن ناکاتانی، وزیر دفاع جاپان روز جمعه در کنفرانس خبری خود گفت: ما در نوزدهم ژوئن به توافق‌هایی با پکن دست یافتیم و به باور من این مکانیزیم باید به سرعت اجرا شود.

در حالی که جاپان بسیاری از نواحی در دریای چین جنوبی را آب‌های بین‌المللی می‌داند، پکن بر بخش‌های زیادی از آن ادعا دارد و دست به ساخت جزایری زده است.

### اولاند:

## حادثه لیون ماهیت

## تروریستی داشته است



رئیس جمهور فرانسه حمله دیروز به کارخانه‌ای در نزدیکی شهر لیون را تروریستی خواند.

به گزارش یورونیوز، فرانسوا اولاند رئیس جمهور فرانسه رئیس جمهور فرانسه حمله دیروز به کارخانه‌ای در نزدیکی شهر لیون را تروریستی خواند و گفت هنوز ارتباطی بین این حمله و گروه تروریستی داعش پیدا نشده است.

اولاند تأیید کرده طی این حمله یک نفر کشته و دو نفر دیگر زخمی شده‌اند.

فرانسوا اولاند که در بروکسل به سر می‌برد در پی حمله لیون اجلاس سران کشورهای عضو اتحادیه اروپا را ترک کرد و راهی پاریس شده است.

ژان ایو لودریان وزیر دفاع فرانسه اعلام کرده که اولاند در بازگشت به پاریس قرار است ساعت ۳ بعدازظهر به وقت محلی نشست شورای دفاعی را در ارتباط با این حمله برگزار کند.

صبح دیروز جمعه حمله‌یی در یک کارخانه گاز صنعتی در جنوب شرق فرانسه به وقوع پیوست.

یک منبع نزدیک به پرونده این حمله تروریستی گفته است: «در محل انفجار یک پرچم که نوشته‌هایی به زبان عربی بر روی آن وجود دارد، کشف شده است.»

## اعتراض چین به دعوت دالایی لاما از سوی انگلیس

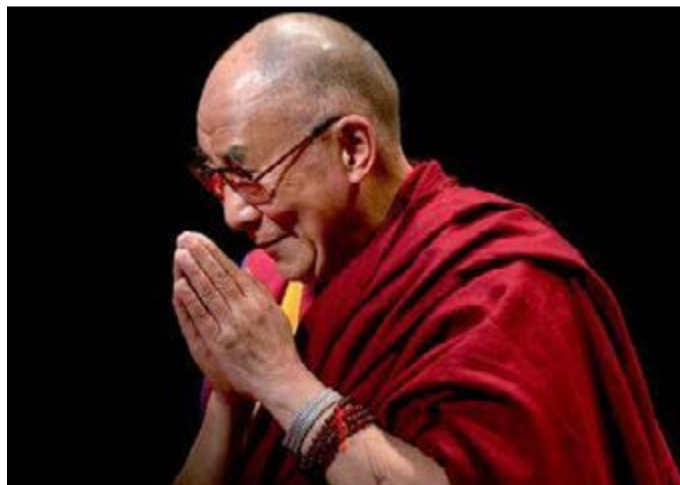
انگلیسی دیدار داشته باشد.

جشنواره هنرهای اجرایی معاصر گلاستونبری که بیشتر با نام گلاستونبری یا گلاستو خوانده می‌شود، بزرگترین جشنواره بدون سقف و هوای آزاد و هنرهای اجرایی جهان است که به صورت سالانه در انگلیس برپا می‌شود. گلاستونبری بیشتر برای اجراهای موسیقی‌اش معروف است اما در این جشنواره رقص، تئاتر، سیرک، کمدی و بسیاری هنرهای اجرایی دیگر نیز به نمایش درمی‌آید.

دالایی لاما بار دیگر در ماه سپتامبر به انگلیس سفر می‌کند که درست یک ماه پیش از سفر ماه اکتبر شی جینپینگ، رئیس‌جمهوری چین به انگلیس خواهد بود. سفر رسمی جینپینگ به انگلیس اولین سفر یک رئیس دولت چین طی یک دهه گذشته خواهد بود. از نظر پکن، دالایی لاما یک جدایی طلب خطرناک است که می‌خواهد تبت مستقل را بنا نهاد.

لو کانگ، سخنگوی وزارت امور خارجه چین در کنفرانس خبری خود گفت که اطلاعاتی از جزئیات برنامه حضور دالایی لاما در فستیوال گلاستونبری ندارد و نمی‌داند که وی قرار است آنجا چه کار کند. با این حال وی تأکید کرد که موضع پکن کاملاً مشخص است. چین کاملاً مخالف این است که یک کشور، نهاد، گروه و یا فردی به چهاردهمین دالایی لاما فرصتی برای اقدامات ضد چینی و فعالیت‌های جدایی طلبانه بدهد.

چین معمولاً هر کشوری را که میزبان دالایی لاما باشد، محکوم می‌کند. در سال ۲۰۱۲ دیوید کامرون، نخست‌وزیر انگلیس با رهبر معنوی بوداییان تبت دیدار کرد که اعتراض پکن را در پی داشت.



دولت چین روز جمعه با اعتراض به دعوت فستیوال گلاستونبری در انگلیس برای سفر رهبر معنوی بوداییان تبتی گفت این امر فرصتی را برای فعالیت‌های ضد چین فراهم می‌کند.

به گزارش خبرگزاری رویترز، دفتر دالایی لاما، رهبر معنوی بوداییان تبت روز پنجشنبه اعلام کرد که وی در جریان سفر هفته آتی خود به انگلیس در فستیوال گلاستونبری سخنرانی خواهد کرد. وی قرار نیست که با هیچیک از مقام‌های

## حمله مسلحانه بر دو هتل در تونس ۳۷ کشته برجا گذاشت



تیراندازی به هتل امپریال مرحبا کشته شدند. تلویزیون دولتی تونس هم گزارش کرده که دو مرد مسلح به روی افرادی که در کنار بوده‌اند، آتش گشودند. محمدعلی عرویی، سخنگوی وزارت داخله تونس گفته که بلافاصله پس از حمله، ماموران امنیتی به سوی مهاجمان تیراندازی کردند و یکی از آنها را کشتند. آقای عرویی گفته است که احتمال دارد که تعداد کشته شدگان بیشتر باشد. بر اساس گزارش‌ها، هتلی دیگری در تونس نیز هدف حملات مسلحانه قرار گرفته است. این هتل در شهر سوسه در شمال شرقی تونس واقع شده است.

این دومین حمله مسلحانه مرگبار به مرکزی توریستی در تونس در ماه‌های گذشته بوده است. ده تن در این هتل کشته شده‌اند. در اواسط مارچ حمله مسلحانه به موزیم باردو در پایتخت تونس ۲۳ نفر کشته شدند که بیشتر آنان را توریست خارجی تشکیل می‌دادند.

در حمله مسلحانه بر دو هتل در تونس سی و هفت تن کشته شده و تعدادی هم زخمی شدند. بر اساس گزارش‌ها از تونس هتلی در منطقه‌ای توریستی در شمال شرقی کشور هدف حملات مسلحانه قرار گرفته بود و بعد از آن هم هتلی در منطقه سوسه در شمال شرقی این کشور. به گفته وزارت داخله تونس، دست‌کم ۲۷ نفر در جریان

## داعش مسوولیت بمبگذاری مرگبار مسجد شیعیان کویت را به عهده گرفت



دیروز همزمان با برگزاری نماز جمعه در مسجد امام صادق در شهر کویت، پایتخت کویت، بمبی در آن منفجر شده است. گزارش‌ها حاکی از انتحاری بودن حمله بود و خبرگزاری فرانسه شمار کشته‌شدگان را ۱۳ نفر گزارش کرده است. گفته می‌شود ده‌ها نفر هم زخمی شده‌اند.

گروه موسوم به «دولت اسلامی» (داعش) مسوولیت حمله مرگبار امروز را به عهده گرفته است.

داعش در هفته‌های گذشته نیز اعلام کرده که مسوول حملاتی به مساجد شیعیان در یمن و عربستان سعودی بوده است. عکس‌هایی هم که در شبکه‌های اجتماعی از این واقعه منتشر شده نشان می‌دهد که تعدادی از نمازگزاران خون‌آلود روی زمین افتاده‌اند. یک شاهد عینی به خبرگزاری

رویترز گفته است که در زمان حمله حدود دو هزار نمازگزار در مسجد بودند که صدای انفجار شدید شنیده شد.

شیخ جابر مبارک الصباح، نخست‌وزیر کویت گفته است که این حمله «وحدت ملی» کویت را هدف گرفته است. کویت به عنوان یکی از امن‌ترین کشورهای منطقه شناخته می‌شود و چنین حملاتی در آن سابقه چندانی ندارد.